

نظریه رشد ایمانی فاوُلر به عنوان چارچوبی برای تربیت دینی

احمد زندوانیان^۱، راضیه طیبی^۲، رویا رسولی^۳

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۳/۶/۲۵ - تاریخ پذیرش مقاله: ۹۴/۷/۱۴)

چکیده

روان‌شناسان مدل‌های خوبی را برای درک رشد شناختی، رفتاری و روان‌شناختی مطرح کرده‌اند، اما دکتر جیمز فاوُلر متخصص الهیات، بر این باور بود که مدلی ویژه برای رشد ایمانی تدوین نشده است. وی نظریه رشد ایمانی خود را براساس نظریه‌های رشدی پیازِه، اریکسون و کلبِرگ و مباحثه‌های دینی در زمینه ایمان که تیلیش^۴، نی‌بوهر^۵ و اسمیت^۶ بیان کرده بودند، بنا نهاد و آن را مراحل رشد ایمانی^۷ نامید. نظریه فاوُلر از طریق گوش‌دادن به زندگی سیصدوپنجاه‌هفت مصاحبه‌شونده بین سال‌های ۱۹۷۲ تا ۱۹۸۱ پدید آمده است. فاوُلر پس از مصاحبه‌های متعدد با آزمودنی‌ها، به این نتیجه رسید که رشد ایمان که همان رشد ایجاد معنا است، پدیده‌ای جهانی و انسانی بوده و تا حدی ذاتی و غریزی است. او همچنین نشان داد که رشد ایمانی، مسیری رشدی، فکری، شناختی و پیش‌بینی‌پذیر را دنبال می‌کند. با اینکه دامنه گسترده‌ای از محققان خارجی به این نظریه توجه نشان داده‌اند، پیچیدگی‌های آن سبب شده چالش‌های نظری، اخلاقی و عملی زیادی به‌همراه داشته باشد. با توجه به اینکه در ایران این نظریه بسیار مهجور مانده است، در این مقاله کوشش شده درک بهتری از آن فراهم آید. از این‌رو ابتدا تعریف ایمان، و سپس مراحل رشد ایمانی از نگاه فاوُلر به تفصیل بررسی شده و در نهایت انتقادهای وارد بر این نظریه بیان می‌شود. به نظر می‌رسد این نظریه که شامل یک پیش‌مرحله و شش مرحله است، به‌عنوان ساختاری برای تدوین نظریه رشد دینی - ایمانی مطابق با آموزه‌های اسلامی - شیعی راهگشا باشد.

کلید واژه‌ها: تربیت دینی، جیمز فاوُلر، نظریه رشد ایمانی.

۱. استادیار گروه علوم تربیتی دانشگاه یزد.

۲. دانشجوی دکتری روان‌شناسی تربیتی دانشگاه خوارزمی.

۳. نویسنده مسئول، استادیار دانشکده روان‌شناسی دانشگاه الزهراء؛

Email: r.rasouli@alzahra.ac.ir

4. Tillich

5. Neibuhr

6. Smith

7. stages Of Faith Development

مقدمه

به نظر می‌رسد ایمان هم مثل بسیاری از جنبه‌های زندگی، الگویی قابل شناسایی و رشدیافتنی دارد. این الگوی آشکار را می‌توان برحسب واکنش‌ها و تفاسیر اخلاقی، شناختی و عاطفی رشد تعیین کرد [۴]. نظریه رشد ایمانی فاولر یکی از مهم‌ترین مدل‌های رشد معنوی - مذهبی است که در سی سال اخیر بیان شده است. این نظریه بر مرییان مذهبی، علاقه‌مندان به مذهب و روان‌شناسان رشد تأثیر گذاشته است. مدل مراحل رشد ایمانی فاولر، الهام‌بخش بیش از دویست پروژه تحقیقاتی بوده و جاذبه این نظریه و بحث‌ها در زمینه آن همچنان ادامه دارد [۵]. فاولر براساس داستان‌های زندگی مصاحبه‌شوندگان، یک پیش‌مرحله و شش مرحله رشد ایمانی را طراحی کرد. وی بر این باور بود که عبور از یک مرحله و رفتن به مرحله دیگر به صورت خودکار و به محض بالغ شدن کسی روی نمی‌دهد. افراد ممکن است از نظر زمانی و زیستی به بلوغ و بزرگسالی برسند، درحالی که از نظر رشد ایمانی هنوز در مراحل اولیه و کودکی باشند [۶]. نظریه رشد ایمانی برای درک سیر تکامل ادراک بشر از خداوند و اینکه مخلوق برتر بودن چگونه بر هسته ارزش‌ها، باورها و معانی در زندگی شخصی و در روابط با دیگران تأثیر می‌گذارد، چارچوبی را فراهم می‌کند. مانند بسیاری از ابعاد زندگی، ایمان هم دارای الگوی رشدی شناخت‌پذیر و وسیع است. این الگو برحسب تفاسیر و پاسخ‌های اخلاقی، شناختی و هیجانی رشدیافته مشخص می‌شود [۷].

تعریف ایمان از نگاه فاولر

ایمان به صورت کاربردی، نوعی تجربه انسانی عام و پویا است که ممکن است به مذهب مرتبط باشد یا نباشد [۸]. فاولر ایمان را فرایندی پویا از تعهدات تعریف می‌کند که براساس آن، بر اعتماد و وفاداری، وابستگی و اعتماد به نفس، منابع ارزش، تصورات و واقعیت‌های قدرت خود تمرکز می‌کنیم. براساس ایمان، از طریق وفاداری به داستان یا داستان‌های اصلی آگاهانه در حال ظهور، انسجامی به زندگی‌مان می‌دهیم. وی بر این باور بود که ایمان در زمینه‌های میان‌فردی رشد می‌یابد. همچنین ظرفیت و نیاز به ایمان، از ویژگی‌های ذاتی انسانی است. ایمان، شامل ایمان مذهبی است و ممکن است اعتماد و وفاداری به منابع ارزشی دیگران از جمله خانواده، کشور، حرفه و شغل را نیز در بر گیرد [۹]. ایمان، شیوه تفکر و مشاهده دنیا و تمایلی بشری - جهانی است. به باور

فاولر، سطوح رشد ایمانی، تمایزات مهمی را بسته به حد پیچیدگی ادراک افراد از خود، دیگران و موقعیت‌های اجتماعی نشان می‌دهند. رشد معنوی به‌سمت سطوح پیشرفته‌تری از ادراک، یکپارچگی، ساختن معنا و روابط میان‌فردی، گسترش می‌یابد [۱۰]. فاولر بر این باور بود که مراحل رشد ایمانی او، نه‌تنها در مورد یهودیان، مسیحیان و مسلمانان کاربرد دارد، بلکه حتی در مورد آیین ذن، بودیسم هم، کاربرد دارد. مراحل پیازّه، اریکسون و کلبِرگ دارای سیر زمانی مشخصی است، اما مراحل فاولر منحصر به‌فرد است، به‌طوری که در آن‌ها چارچوب‌های اندکی وجود دارد. معیارهایی وجود دارند که قبل از آن‌ها یک مرحله خاص نمی‌تواند روی دهد. فاولر مدل خود را به‌شکل حلزونی (مارپیچ)، با برخی ویژگی‌های هم‌پوش در طول انتقال مراحل و برخی برگشت‌ها یا سیر قهقراپی در طول بحران‌های متفاوت ایمان، می‌بیند. مثلاً با اینکه بسیاری از افراد در نوجوانی و جوانی از مرحله نخست عبور می‌کنند، برخی بزرگسالان هرگز از این مرحله فراتر نمی‌روند. برای این دسته از بزرگسالان، این مرحله حقیقتی ثابت می‌شود [۱۱]. علاوه بر مشخصات ساختاری، همه مراحل رشد ایمانی فاولر، شامل ویژگی‌های سازگاران (به‌هنجار) و ناسازگاران (نابه‌هنجار) است. اگرچه مراحل رشد ایمانی دارای الگویی متداول و شناخت‌پذیر است، رشد در طول مراحل، خودکار و اجتناب‌ناپذیر نیست [۱۲].

مراحل رشد ایمانی فاولر

پیش‌مرحله: ایمان نامتمایز^۱ (نامشخص، ابتدایی) – طفولیت

از دید فاولر، رشد ایمانی، زمانی که همگرایی زبان و تفکر به‌وجود آید و گفتار با غنای نمادهایش به‌کار گرفته شود، آغاز می‌شود. پیش از آن (به‌طور تقریبی از تولد تا دوسالگی)، کودک در پیش‌مرحله‌ای به‌نام ایمان نامتمایز قرار دارد [۱۱]. در این مرحله، در کودکان چشم‌اندازی ابتدایی در مورد جهان شکل می‌گیرد. شالوده رشد ایمانی قوی در این مرحله، به رابطه کودک با مراقبانش بستگی دارد [۶]. ایمان کودک بر پایه اعتماد است که نیازهای او را برآورده خواهد کرد. کودک اطمینان دارد که مراقبانش (به‌ویژه مادر) وقتی گرسنه می‌شود، برایش غذا می‌آورند و وقتی پوشاکش کثیف و خیس است، آنرا عوض می‌کنند [۱۳]. پیش‌بینی می‌شود در این دوره، تجارب متقابل مانند اعتماد، عشق ورزیدن و مراقبت شکل گیرد. در این مرحله اولین روابط همراه با بذر امید،

1. undifferentiated faith

شجاعت، اعتماد و خودمختاری بنیان می‌گیرد. همه این‌ها برای رشد ایمانی بعدی ضروری است [۱۱]. در این مرحله ممکن است دو مشکل رخ دهد: نخست، الگوی خودشیفتگی افراطی در کودکانی که مرکز توجه مراقبشان هستند یا رابطه‌شان با مراقبانشان از شکل طبیعی خارج شده است، پدید آید؛ دوم، تجربه نادیده گرفته شدن و ناهمسانی و تناقض که ممکن است کودک را در الگوی انزوا تثبیت کند یا سبب شکست او در برقراری ارتباط با مراقبش شود [۶]. انتقال به مرحله نخست با همگرایی تفکر و زبان آغاز می‌شود که کودک را در استفاده از نمادها در گفتار و بازی یاری می‌دهد [۸].

مرحله نخست: ایمان شهودی - تصویری^۱: اوایل کودکی (سه تا هفت سالگی)

فاولر ایمان شهودی - تصویری را شیوه‌ای از ابراز ایمان بیان می‌کند که در آن شیوه تفکر کودک درباره جهان، شهودی است [۱۲]. در طول مرحله نخست، تصورات کودک نامحدود است. او تصاویر، احساسات مثبت و منفی قوی و ماندگار ایجاد می‌کند که وقتی بالغ شد باید آن‌ها را طبقه‌بندی کند. این تصاویر دربردارنده حالت‌ها، اعمال و داستان‌هایی است که متأثر از افراد مهم زندگی کودک است. در طول این مرحله، کودک آگاهی خودمحوری را رشد می‌دهد. کودک از مرگ، جنسیت و نهی‌های مذهبی^۲ آگاه می‌شود [۶]. تفکر کودک پر از تخیل، سیال، تحت تأثیر تصورات و نامحدود است. تخیلات، احساسات، داستان‌ها و حقایق در هم تنیده شده‌اند و اغلب تمایزناپذیرند. کودکان به‌طور کامل عملیات برگشت‌پذیری را نمی‌فهمند. کودک در این مرحله خودمحور است و گمان می‌کند که دیدگاهش تنها دیدگاه ممکن است و دیگران باید مانند او احساس کنند و بیندیشند. او برای ساختن معنا بر نمادهای محسوس تکیه می‌کند، به‌ویژه در مورد ساختن معانی مذهبی. کودک در این مرحله داستان‌ها و تصاویر الهی را که از والدین و فرهنگ دریافت کرده است با باورها در مورد خدا و این‌که چه چیزی مقدس است، پیوند می‌دهد. اغلب در این مرحله، خدا مانند هوایی که در اطراف است، شرح داده می‌شود. فاولر اشاره می‌کند که حتی کودکان خانواده‌های بی‌مذهب الگوهای مشابهی برای ساختن معانی دارند؛ هرچند مبنای داستان‌ها، تصاویر و نمادهای آن‌ها محدودتر است [۱۱]. در این دوره ایمان، سرشار از فرافکنی‌های قوی که از داستان‌ها و روابط گرفته شده‌اند، است. به‌علاوه، هدف و وسیله به‌صورت ضعیفی درک

1. intuitive- Projective Faith

2. taboos

می‌شوند، زیرا حقیقت و خیال درهم‌تنیده‌اند. اخلاقیات به تفاسیر واقعی (مثل چشم در مقابل چشم) و دیگر قوانین ساده عدالت و مقابله به‌مثل اختصاص دارد. توانایی تصور و درونی کردن به‌طور کامل رشد نایافته است؛ بنابراین افراد ممکن است در قضاوت درباره رفتار انسان‌های دیگر، درک محدودی از انگیزه‌های آن‌ها داشته باشند [۱۲]. فاولر شرح می‌دهد که بازنمایی کودکان از خدا در این مرحله با ارتباطات مهم کودک به‌ویژه رابطه با والدین مرتبط است. ایمان در همه مراحل، رابطه‌ای است؛ در این مرحله ارتباط کودک و والد مهم‌ترین ارتباط در تجربه ایمان است [۱۳]. خطر در این مرحله زمانی به‌وجود می‌آید که تصورات کودک انباشته از تصاویر وحشت‌بار و ویرانگر شود، یا زمانی که تصوراتش برای تقویت نهی‌های مذهبی و انتظارات اخلاقی مورد سوءاستفاده قرار گیرد. عامل مهم در انتقال به مرحله بعدی تفکر، عملیات عینی است. کلید این انتقال، روشن شدن این موضوع است که چه چیزی واقعی است و یا واقعی به‌نظر می‌رسد [۶].

مرحله دوم: ایمان اسطوره‌ای - واقعی^۱ (کودکی و پس از آن)

این مرحله اغلب از سن مدرسه و در حدود هفت سالگی آغاز می‌شود. افراد شناختن داستان‌ها، باورها و رعایت تشریفات مذهبی جامعه خود را آغاز می‌کنند [۱۴]. در این مرحله کودکان توانایی درک روابط وسیله - هدف، طبقه‌بندی اشیاء، گرفتن دیدگاه دیگران و روایت داستان را دارند. اگرچه هنوز داستان‌ها اهمیت دارند، کودک سخت می‌کوشد که واقعیت را از خیال جدا کند. نمادها، معانی تک‌بعدی، واقعی و عینی دارند. خدا به‌طور معمول با اصطلاحات انسانی و با داشتن تمایلات و کشمکش‌های انسانی شرح داده می‌شود. خداوند رحیم و مهربان دیده می‌شود و حس مقابله به‌مثل شدیدی در برابر انسان‌ها دارد. افراد در این مرحله نمی‌توانند از ایمان خود پا پس بکشند و توانایی تأمل و اندیشیدن درباره آن را ندارند [۱۱]. آن‌ها درگیر فرایند یادگیری شناخت، تفسیر و مدیریت احساسات و تکانش‌های قوی هستند. به‌همین نحو خدا را هم با اصطلاحات شخصی ویژه خودشان نساخته‌اند یا هیجان‌ات درونی خیلی متمایز و حساسیت‌های میان‌فردی را به خدا نسبت نداده‌اند. گاهی مفهوم خداوند براساس مدل سازگار - مهربان، اما فقط فرمانروا یا والد ساخته می‌شود. در این مرحله فرد اغلب حسی از عدالت کیهانی را درک می‌کند. کودک بر این باور است که خوبی پاداش داده می‌شود

1. mythic- Literal faith

و بدی تنبیه می‌شود [۷]. همراه با توانایی انجام دادن عملیات عینی، فرد می‌تواند دیدگاهش در مورد دنیا را هم بازسازی کند. چنین ساختارهایی برای ساخت معنا از جهان بر دیدگاه خطی هدف - وسیله قرار می‌گیرند. افراد کم‌کم قادر به درک دیدگاه - های دیگران می‌شوند. باورها و معانی فردی در داستان‌ها، درام‌ها و افسانه‌ها دربارهٔ جامعه‌شان جا می‌گیرد و معانی رنگ واقعیت به خود می‌گیرد [۶]. این مرحله با درک اینکه این دنیا، «جهانی زودبازده»^۱ نیست و در آن شیطان و انسان‌های بد الزاماً دست‌کم در مدت زمان کوتاه به دلیل گناهی که مرتکب شده‌اند، مجازات نمی‌شوند و چیزهای بد برای آدم‌های خوب نیز اتفاق می‌افتد، به پایان می‌رسد. مرحلهٔ اسطوره‌ای - واقعی، آغاز تفکر در مورد احساسات است و ایده‌های ایمانی را پایه‌گذاری می‌کند و رشد می‌دهد [۷]. انتقال به مرحلهٔ بعد همراه با تفکر عملیات صوری روی می‌دهد. عملیات صوری از طریق توجه و تفکر دربارهٔ تناقضات و تضادهای موجود در داستان‌ها مشخص می‌شود [۶]. این مرحله بیشتر شامل دانش‌آموزان دبستانی است، اما برخی نوجوانان و بزرگسالان میانسالی که فالور با آن‌ها مصاحبه کرده بود نیز در این مرحله تثبیت شده بودند. مرحلهٔ دوم زمانی به انتها می‌رسد که افراد متوجه می‌شوند ممکن است اتفاقات بد برای آدم‌های خوب هم رخ دهد و نظرشان در مورد مقابله به‌مثل، دست‌کم در کوتاه‌مدت الزاماً درست نیست [۱۱].

مرحلهٔ سوم: ایمان ترکیبی - عرفی^۲ (نوجوانی و پس از آن)

ایمان ترکیبی - عرفی عموماً زمانی آغاز می‌شود که انتقال به تفکر عملیات صوری، امکان تأمل بر تفکرات شخص و تجزیه و تحلیل تناقضات موجود در داستان‌ها را امکان‌پذیر می‌کند (۱۱). در این مرحله، سازندهٔ معانی شروع به ساختن اسطورهٔ شخصی می‌کند. داستان زندگی، قصه‌ای را بیان می‌کند که آمیخته با گذشته، حال و پیش‌بینی آینده در یک تصویر واحد است. تصویر واحد، فرد را در ارتباط با واقعیت غایی قرار می‌دهد. این ایمان، هویت فرد را پایه‌ریزی می‌کند و دیدگاهی شخصی به‌وجود می‌آورد [۱۴]. تجربهٔ فرد از دنیا، فراتر از خانواده به قلمروهای دیگر مثل مدرسه، کار، همسالان و مذهب گسترش می‌یابد. هویت شخصی که فرد رشد می‌دهد بازتابی از پاسخ دیگران به اوست. افراد، نگران انسجام با اشخاص مهم زندگی خود هستند. افراد به دیگران

1. quick- Payoff Universe

2. synthetic- Conventional Faith

وابسته^۱ هستند (توسط دیگران هدایت می‌شوند) و اعتماد به نفس و توانایی برخورداری از دیدگاهی مستقل را ندارند. در این مرحله، فرد وظایفی را بر عهده می‌گیرد که مبین تعهد شخصی، نگرش‌ها و باورهای در سبک زندگی شخصی است. بازنمایی خدا در ذهن فرد به شیوه پذیرش عشق، درک کردن، وفاداری و داشتن سیستم حمایتی در دوران بحران، بنا نهاده می‌شود. با اینکه ممکن است عناصر متناقضی وجود داشته باشد، هویت، باورها و ارزش‌ها قویاً درک می‌شود. در این مرحله فرد با یک ایدئولوژی و جهان‌بینی زندگی و از آن حمایت می‌کند (۷). فرد می‌تواند موقعیت‌های فرضی و نمادهایی را در نظر بگیرد، به ایده-آل‌هایش بیندیشد و انتقادپذیر و واقع‌گرا باشد. در این هنگام فرد می‌تواند چارچوب‌ها را بشکند، ارتباطات جدید را ببیند و روابط جدید را تقویت کند. از آنجا که این مقطع، زمان رشد شخصیت و جست‌وجوی هویت است، جست‌وجوی مبانی الهی هم اغلب در این هنگام شروع می‌شود. نوجوانان به‌طور معمول خواهان خدایی هستند که آن‌ها را بپذیرد و هویت شخصی‌شان را تصدیق کند. آن‌ها خداوند را خستگی‌ناپذیر و اسرارآمیز می‌دانند. آن‌ها با اصطلاحات شخصی با خدا ارتباط برقرار می‌کنند و خدا را همچون دوست، همراه یا راهنما می‌دانند. در این مرحله باورها، انتظارات و قضاوت‌های دیگران بر هویت و خودمختاری فرد تأثیر می‌گذارد [۱۱]. ارزش‌های فرد براساس تأیید افراد مهم تعیین می‌شود. باورها و ارزش‌هایی که در معرض تفکر انتقادی قرار نگرفته‌اند، به‌طور عمیق حفظ می‌شوند [۱۲]. خطر این مرحله این است که انتظارات و ارزشیابی‌های دیگران ممکن است آن‌قدر درونی شود که استقلال و خودمختاری افراد در قضاوت‌ها و اعمال به خطر افتد یا احساس کنند وجودشان بی‌معنا و بی‌فایده است. انتقال از مرحله سوم به مرحله چهارم مهم است و برای همه افراد اتفاق نمی‌افتد. برخی ممکن است برای همیشه در مراحل دوم یا سوم تثبیت شوند. عواملی که در انتقال به مرحله بعد اختلال ایجاد می‌کنند عبارتند از: تناقض ارزش‌ها، تغییر در فعالیت‌هایی که توسط صاحبان قدرت سابقاً مقدس فرض می‌شده‌اند، تجاربی که سبب تفکر انتقادی درباره ساختار باورها و ارزش‌های فرد می‌شود و اینکه چقدر این باورها منتسب به افراد است. اما اغلب تجربه زندگی مستقل می‌تواند در انتقال به مرحله بعد مؤثر باشد [۶].

مرحله چهارم: ایمان انفرادی - تأملی^۲ (بزرگسالی و پس از آن)

برای بسیاری از افراد، مرحله چهارم در اواسط دهه سوم زندگی تا اوایل دهه چهارم

1. other- Directed

2. individuated- Reflective Faith

زندگی ظاهر می‌شود. در طول این زمان هویت فرد یا دیدگاهی که او از خود و جهان دارد، متفاوت با دیگران می‌شود و مالکیت شخصی روی می‌دهد. در ضمن دیدگاه‌های دیگران در نظر گرفته می‌شود، اما ضرورتاً پذیرفته نمی‌شود. زمانی که فرد درباره هویت گروهی و خودشکوفایی، تصمیم‌گیری‌های دشواری اتخاذ می‌کند، سخت‌ترین تنش‌های فردی رخ می‌دهد [۶]. این مرحله با دو ویژگی مهم مشخص می‌شود: ۱. پشت سر گذاشتن نقد سیستم ارزشی که قبلاً پذیرفته شده بود؛ ۲. ظهور آنچه فاولر آن را «خوداجرایی»^۱ می‌نامد. خوداجرایی به پذیرش مسئولیت‌های صریح در مورد باورها و سبک زندگی شخص برمی‌گردد [۱۲]. فرد باید توانایی تفکر انتقادی باورها، ارزش‌ها و تعهدات را به دست آورد. این بازآزمایی ارزش‌هایی که عمیقاً پذیرفته شده بودند، ممکن است فرایندی دردناک باشد. به علاوه فرد باید با رشد خودشناسی و خودارزشمندی خویش چالش داشته باشد؛ چالشی که سبب می‌شود فرد به طور مستقل درباره افراد، سازمان‌ها و جهان‌بینی‌هایی که تا آن زمان وجود فرد را مهار کرده بودند، قضاوت کند. پرسش‌های نشان‌دهنده این مرحله شامل این موارد است: اگر دختر، پسر یا همسر کسی شناخته نشوم پس که هستیم؟ جدا از هویت تحصیلی، شغلی و حرفه‌ای، چه کسی هستیم؟ فراتر از دایره خانواده و دوستان، من که هستیم؟ در طی ساخت ایمان انفرادی - انتقادی، نمادهای ارثی و آشنا، عقاید، باورها، رسوم و تنگناهای مذهبی به دقت بررسی می‌شوند. باورهای مذهبی و سنت‌ها ممکن است در مورد نظام ارزش‌های غیرمذهبی، جهان‌بینی‌ها نیز به کار رود. در نهایت ممکن است برخی از باورهای مرسوم و آشنا کنار گذاشته نشوند، که اگر نگه داشته شوند، آگاهانه حفظ می‌شوند [۷].

مرحله پنجم: ایمان پیوندی یا ربط‌دهنده (اواسط دهه ۳۰ زندگی و پس از آن)
وظیفه مرحله پنجم حل مشکلاتی است که در مرحله چهارم در شخص سرکوب شده یا ناشناخته بود. در این مرحله تعهدی به عدالت وجود دارد که فراتر از طبقه اجتماعی، ملل، جوامع و گروه‌های نژادی و مذهبی است. تضاد زمانی روی می‌دهد که شخصی سعی می‌کند از هویت یک نسل محافظت کند و آن‌ها را گسترش دهد. نوعی از تصورات کنایه‌ای^۲ زمانی روی می‌دهد که فردی هم‌زمان هم معانی قوی را می‌فهمد و هم حقایقی را که نسبی و جزئی هستند، می‌شناسد. شخص می‌تواند برای نمادها، افسانه‌ها

1. executive ego

2. ironic Imagination

و تشریفات مذهبی همه سنت‌ها احترام قائل شود [۶]. این مرحله با ویژگی متفکران بزرگسال منتقدی شناخته می‌شود که بر این باورند حقیقت از هر نوعی که باشد می‌تواند از طرف رویکردهای چندگانه مورد نظر قرار گیرد و ایمان باید تنش میان این رویکردهای چندگانه را متوازن کند. افراد در این مرحله علاقه‌مند و پذیرای حقایق دیگر فرهنگ‌ها و مذاهب هستند و بر این باورند که گفت‌وگوی این مذاهب متفاوت، به درکی عمیق و بینشی جدید دربارهٔ باورها و رسوم خودشان می‌انجامد [۷]. از هر شش شرکت‌کننده در مصاحبه‌های فاوئر، فقط یک نفر به مرحلهٔ پنجم رشد ایمانی راه یافته بود. این حالت تا قبل از میانسالی رخ نمی‌دهد. تنش این مرحله، زندگی در دنیای تحول نیافته با دیدگاهی تحول یافته است. این تنش برای تعداد بسیار کمی از افراد به خودشکوفایی بنیادین منجر می‌شود [۸].

مرحلهٔ ششم: ایمان جهانی^۱ (میانسالی و پس از آن)

فردی که به این مرحله می‌رسد، دغدغه‌اش خلقت و مخلوق به‌عنوان یک کل صرف‌نظر از ملیت، طبقهٔ اجتماعی، جنسیت، سن، نژاد، ایدئولوژی سیاسی و باورهای مذهبی است. کسانی که پیش از این دشمن دیده می‌شدند، اکنون به‌عنوان فرزند خدا درک می‌شوند و لایق عشق بی‌قید و شرط هستند [۷]. افراد کمی به مرحلهٔ ششم می‌رسند. برخی از افراد مشهوری که به این مرحله رسیده‌اند عبارتند از گاندی، مارتین لوتر کینگ و مادر ترزا. این افراد منضبط، طرفدار عمل و تجسم واقعی عشق و عدالت هستند. آن‌ها به بقای خود اعتنا ندارند و از مذهب و اخلاق موجود فراترند، در نتیجه گفتار و اعمالشان فوق‌العاده است و اغلب کیفیت و خصوصیات پیش‌بینی‌ناپذیر دارند. از خودگذشتگی و دلسوزی جهانی آن‌ها، از افکار کوتاه‌بینانه دربارهٔ عدالت فراتر می‌رود و معیارهای نیکی، پرهیزکاری را به چالش می‌کشد. رهبری آن‌ها بدون خشونت و همراه با نهایت احترام برای همهٔ مخلوقات است. آن‌ها ممکن است در راه آرمان‌هایشان فدا شوند. زندگی برای آن‌ها در هر شرایطی عاشقانه است. درحقیقت بسیاری از این افراد به‌دست کسانی کشته می‌شوند که آرزوی تغییر آن‌ها را دارند و بعد از مرگشان بیش از زمان زندگی به آنان احترام می‌گذارند. افراد مرحلهٔ ششم، ذهنی پاک و ساده دارند و انسان‌های کامل‌تری هستند. آن‌ها از جامعه‌ای فراگیر حمایت می‌کنند و به عدالت و عشق واقعی متعهدند. آن‌ها رویای دنیایی خدایی، افضل و دگرگون شده را در سر می‌پروراندند [۶].

1. universalizing faith

جدول ۱. خلاصه‌ای از ویژگی‌های مورد انتظار افراد در مراحل پیاژه، کلبگ، اریکسون و فاولر

پیش‌مرحله: ایمان نامتمایز	مرحله اول: شهودی-تصویری	مرحله دوم: واقعی-اسطوره‌ای	مرحله سوم: ترکیبی-قراردادی
سن معمول، ۰ تا ۲ سال: رفتار بازتابی (P)؛ اعتماد در برابر بی‌اعتمادی، من خوبم، دنیا خوب است (E)؛ اخلاقیات وجود ندارد- خوشحالی و ناراحتی کودک مطرح است (K)؛ عشق، شجاعت و امید (F).	سن معمول، ۳ تا ۷ سال: خودمحور، احساس محور (P)؛ کنترل خود/بدن، سرسختی و لجاجت (E)؛ قواعد یادگیری، درست، نادرست، تنبیه و عمل متقابل (K)؛ داستان‌ها، افسانه‌ها و حقایق از هم تفکیک نشده‌اند، تفکر سیال، اهمیت نمادها، خدا همانند هوا در اطراف است (F).	سن معمول، ۷ تا ۱۲ سال: تفکر محسوس، نظام‌مند و منطقی (P)؛ رشد مهارت‌ها، بازی و کار با همسالان، شایستگی (E)؛ اخلاقیات مزاحم وجدان نمی‌شوند، حساسیت اجتماعی، نشان دادن احترام/وظیفه، اطاعت از قوانین (K)؛ تخیل محدود به بازی است، خداوند موجودی شبیه انسان است، منصفانه و متقابل با افراد رفتار می‌کند، نمادها واقعی هستند (F).	سن معمول، ۱۲ تا ۲۱ سال: تفکر انتزاعی و تحلیلی (P)؛ غلبه همسالان، تکیه به خود (E)؛ قوانین اکثریت مگر اینکه رفاه شخص به خطر افتد، قواعد برای خوبی متقابل، همکاری (K)؛ خدایی راهنما، مهربان، حامی و بامحبت، دیدن غایت و نهایت بر حسب روابط میان‌فردی، تفکر درباره نمادها و ارزش‌ها به‌عنوان یک نظام (F).

P معرف پیاژه، E معرف اریکسون، K معرف کلبگ و F معرف فاولر است.

انتقادات از نظریه فاولر

بیشتر انتقادات وارد شده به کار فاولر بر دو حوزه روش‌شناختی و سوگیری مسیحی - غربی نظریه وی متمرکز است. در زمینه روش‌شناختی می‌توان به این نکته اشاره کرد که بیش از نیمی از مصاحبه‌شوندگان شرکت‌کننده در کار فاولر به‌جای گزینش از طریق نمونه‌گیری تصادفی، از طریق نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شده بودند [۱۵]. دامنه سنی شرکت‌کنندگان بین ۳/۵ تا ۸۵ سال بود و بیشتر آن‌ها ۱۳ تا ۴۰ ساله بودند. مشارکت دو جنس زن و مرد تقریباً مساوی بود، اما اکثر مصاحبه‌شوندگان مسیحی و سفیدپوست بودند؛ بنابراین انتقاد عدم تعادل مذهبی و نژادی بر کار فاولر وارد است. در زمینه سوگیری مسیحی - غربی، بیشتر منتقدان بر این باورند که شاید به‌دلیل غلبه مصاحبه‌شوندگان مسیحی بر پیروان دیگر ادیان در کار اولیه فاولر، باور وی در مورد کاربرد

نظریه‌اش به‌صورت جهانی و در همه ادیان درست نباشد. دیگر انتقادهای وارد شده بر نظریه فالور، درباره تعریف وی از ایمان، تأکید بر ساختار رشد ایمانی به‌جای محتوای ایمان افراد، تأکید بر جنبه شناختی و نادیده گرفتن جنبه عاطفی ایمان است [۱۶]. اما صرف‌نظر از انتقادهای مطرح‌شده، نظریه جیمز فالور در مورد رشد ایمانی، همچنان فراگیرترین و مشخص‌ترین دریچه برای مشاهده رشد ایجاد معنا محسوب می‌شود [۱۴].

بحث و نتیجه‌گیری

بی‌شک یکی از عوامل مؤثر بر رفتار و نگرش انسان‌ها در جوامع گوناگون، دینداری است. مطالعات متعددی تأثیر مثبت ایمان را در حوزه‌های مختلف زندگی بشر از جمله سلامت روان و بهزیستی^۱ [۱۷]، داشتن ثبات خانوادگی [۱۸ و ۱]، سبک زندگی [۲]، بیماری‌های جسمی [۲۰ و ۲۲]، کار و اشتغال [۲۰، ۲۱ و ۳] تأیید کرده‌اند. کار فالور بر دامنه وسیعی از رشته‌های مختلف تأثیر گذاشته است. در قرن بیست‌ویکم تعداد رو به رشدی از افراد زندگی مدرن را منزوی‌کننده و تهی یافته‌اند. پیشرفت تکنولوژی و شبکه‌های اجتماعی گفتگوی انسان‌ها را از چارچوب دینی، فرهنگی و جغرافیایی درهم شکسته است. روان‌شناسان، مشاوران و روحانیان نیازمند الگویی که در چارچوب فهم مراحل رشد ایمانی، بتوانند به انسان‌ها کمک کند، هستند. به‌نظر می‌رسد مراحل رشد ایمانی فالور می‌تواند در این راستا شروعی برای پژوهش‌های بیشتر و رسیدن به الگویی جامع باشد. از آنجا که الگوی فالور در جامعه مسیحی انجام شده است، پیشنهاد می‌شود پژوهشگران مراحل رشد ایمانی را در جامعه دینی و اسلامی ایران انجام دهند. شاید بتوان با ترکیب مراحل رشد ایمانی فالور به‌عنوان ساختار و با محتوای آموزه‌های ارزشمند دین اسلام کودکان، نوجوانان و حتی بزرگسالان را در رشد باورهای مذهبی در مراحل سنی متفاوت یاری رساند یا دست‌کم به‌منظور بیان نظریه رشد ایمانی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی - شیعی از آن بهره گرفت. به‌همین دلیل براساس این نظریه پیشنهادهایی ارائه می‌شود:

براساس نظریه رشد ایمانی فالور، تعامل کودک با افراد مهم زندگیش در رشد ایمانی او نقش دارد؛ بنابراین برای تربیت ایمانی و دینی کودک لازم است این تعامل مورد توجه قرار گیرد. در این صورت نیازمند پژوهش‌هایی هستیم که بسته‌های آموزشی مناسب جهت رشد ایمانی متربیان و تعاملات ایمان‌محور طراحی شود. براساس مرحله اول، ساختن معنا بر نمادهای محسوس تکیه می‌کند؛ والدین و مربیان لازم است از ارائه

1. well-being

مفاهیم انتزاعی خودداری کنند. در مرحله دوم، چون افراد می‌توانند دیدگاه‌های دیگران را بفهمند و ایده‌های ایمانی در این مرحله پایه‌گذاری می‌شود، معرفی کتاب، بحث گروهی و آموزش مستقیم نقش مؤثری دارد. عبور از مرحله سوم مستلزم کمک به فرد است که تعارض‌های ارزشی خود را حل کند، مهم است که صاحبان قدرت مقدسات را کمتر تغییر دهند. در مرحله چهارم، فرد به دلیل کنار گذاشتن باورهای دینی مرسوم، با محیطی که در آن قرار دارد در تضاد قرار می‌گیرد یا به سرکوبی او منجر می‌شود؛ بنابراین لازم است محیط انعطاف داشته باشد تا سلامت روانی فرد تأمین شود. در مرحله پنجم، بین ادیان می‌تواند گفتگوی سازنده رخ دهد و افراد در این مرحله نگران آسیب دیدن مذهب خود نیستند بلکه معتقدند با این گفتگو به بینش عمیق درباره باورهای خود می‌رسند. این درگیری و جنگ‌هایی که بین افراد از مذاهب مختلف رخ می‌دهد با رشد ایمان افراد و رسیدن به مرحله پنجم قابل حل است. با توجه به اینکه مراحل رشد ایمانی از نظر فاولر حلزونی است نه خطی، و براساس سن زیستی بالا نمی‌رود؛ بنابراین ما نمی‌توانیم برای همه سنین یک برنامه و بسته آموزشی فراهم کنیم (شاید یکی از دلایل دین‌گریزی افراد همین باشد که آموزش‌ها متناسب با مرحله رشد ایمانی افراد ارائه نمی‌شود) بلکه ابتدا باید بسنجیم شنوندگان یا متریبان در کدام مرحله رشد ایمانی قرار دارند سپس متناسب با آن مرحله بسته آموزشی ارائه کنیم. در نهایت به نظر می‌رسد، مراحل رشد ایمانی می‌تواند ساختاری منظم برای درک رشد ایمانی افراد فراهم آورد. اولیا و مربیان کشور می‌توانند در چارچوب این نظریه فهم بهتری از رشد ایمانی کودکان و نوجوانان داشته باشند. به این معنا که با همدلی و درک بهتر فرزندان و دانش‌آموزان، متناسب با ویژگی‌های ادراک ایمانی آن‌ها رفتار کرده و در تربیت دینی با محتوای دین اسلام متناسب با خصوصیات هریک از دوره‌های سنی و رشدی برنامه‌ریزی کنند.

منابع

- [۱] رسولی، رویا و سلطانی گردفرامرزی، سمیه (۱۳۹۱). مقایسه و رابطه جهت‌گیری مذهبی و عمل به باورهای دینی با سازگاری زناشویی در طلاب و دانشجویان. فصلنامه خانواده‌پژوهی، شماره ۳۲، ص ۴۲۷.
- [۲] مهدوی کنی، م (۱۳۸۷). دین و سبک زندگی. تهران انتشارات دانشگاه امام صادق.
- [۳] یگانه، طیبیه؛ حسین خانزاده، عباسعلی؛ غفاری، طاهره و کاظمی، ملیحه (۱۳۹۱). رابطه دینداری در کار با تعهد سازمانی و خودنظارتی، مجموعه مقالات دومین همایش ملی دانشجویی روان‌شناسی، مشاوره و دین صص ۷۸۲-۷۷۸.

- [4] Fowler, J. W. (2004). faith development at 30: naming the challenges of faith in a new millennium. *Religious Education*, Vol. 99 No. 4.
- [5] Parker, S. (2006). Measuring faith development. *Journal of Psychology and Theology*, 34, 4, 337-348.
- [6] Ervin, T. M. (2001). Encouraging the spiritual development of counseling students and supervisees using fowler's stages of faith development, Ohio university, from Eric database.
- [7] Fowler, J. W., and Dell, M. L. (2004). Stages of faith and identity: Birth to teens. *Child and Adolescent Psychiatric Clinics of North America*, 13, 17-34.
- [8] Stanard, R., and Painter, L. (2004). Using a faith development model in collage counseling. *College Student Affairs Journal*, 23, 2, 197-207.
- [9] Bridges, L. J., and Moore, K. A. (2002). Religion and Spirituality in Childhood and Adolescence. *Child trends*.
- [10] Weiss Ogden, K. R., & Sias, S. M. (2010). An integrative spiritual development model of supervision for counselors-in-training. http://counselingoutfitters.com/vistas/vistas10/Article_44.
- [11] Neuman, M. E. (2011). Addressing Children's Beliefs Through Fowler's Stages of Faith. *Journal of Pediatric Nursing*, 26, 44-50.
- [12] Parker, S. (2009). Faith development theory as a context for supervision of spiritual and religious issues. *Counselor Education and Supervision*, 49, 1, 39-53.
- [13] Compton, D. M. (2008). Faith development in young children; A qualitative study of gender differences. Doctoral dissertation, university of south Carolina.
- [14] Corcoran, Henry A. (2007). A synthesis of narratives: Religious undergraduate students making meaning in the context of secular research university. Doctoral dissertation in philosophy, university of Denver.
- [15] Brabley, L. R. (1983). An exploration of the relationship between fowler's theory of faith development and myers briggs personality type. Doctoral dissertation, ohio state university.
- [16] Small, L. J. (2008). College student religious affiliation and spiritual identity: A qualitative study. Doctoral dissertation, University of Michigan.
- [17] Parra, A. Manuel, J.C. (2014). Changes Resulting from Paranormal/Spiritual Experiences and their Effects on People's Wellbeing. *Journal for the Study of Spirituality* 4, 73-82.
- [18] Schramm, D. G., Marshall, J. P., Harrls, V. W., & Lee, T. R. (2012). Religiosity, Homogamy, and marital adjustment: An examination of newlyweds in first marriages and remarriages. *Journal of Family Issues*, 33, 8567-1571.
- [19] Nicoline F,B.G. Umland- Sikkema, Visser. A. (2014). How Spirituality Helps Cancer Patients with the Adjustment to their Disease. *Journal of Religion and Health*. Online publication date: 19-Apr-2014.
- [20] Walker,A.G.(2012). The Relationship between the Integration of Faith and Work with Life and Job Outcomes. *Journal of Business Ethics*, 12(3) 453-461.
- [21] Anokhin, S., & Schulze, W. S.(2009). Entrepreneurship, innovation, and corruption. *Journal of Business Venturing*, 24(5), 465-476.
- [22] Valerie Michaelson, Peter Robinson, William Pickett. (2014). Participation in Church or Religious Groups and its Association with Health: A National Study of Young Canadians. *Journal of Religion and Health*53, 1353-1373. Online publication date: 1-Oct-2014.